

محمّد جواد ظریف وزیر خارجه ایران در گفتگو با انتخاب از مشکلات شغش و پیچیدگی روابط خارجی ایران با کشورهای همسایه سخن گفت که در ادامه گزیده این گفتگو را می خوانید:

●اصولا سیاست خارجی را جناحی نمی‌بینم؛ یعنی سیاست خارجی باید بر قاعده فرا جناحی طرح‌ریزی شود. اما متأسفانه این امر در کشور ما از سوی برخی جناح‌ها نادیده گرفته می‌شود. ما باید در پی منافع ملی باشیم؛ حال چه در دولت دوازدهم باشد چه در دولت سیزدهم. قابل توجه این است که مذاکرات ایران با آمریکا در دولت دهم با اجازه مقام معظم رهبری آغاز شد. حضرت آقا بارها فرموده‌اند که گفتگوها در دولت دهم با اجازه ایشان شروع شد. همان کسانی که در دولت یازدهم و دوازدهم مخالف مذاکره بودند، در دولت دهم هم مخالفت می‌کردند. دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در آن دوران مخالف بود و بعدا نیز مخالف بود. بر این باور هستم که حملات جناحی به عرصه سیاست خارجی، حملاتی بی‌جهت و نادرست هستند. سیاست خارجی در چارچوب کل نظام اتخاذ و اجرا می‌شود؛ لذا این‌که بخواهند از سیاست خارجی دعوائی جناحی بسازند، حتما به ضرر منافع ملی کشورمان خواهد بود. در ۷ تا ۸ سال گذشته، کسانی که راهبرد سیاست خارجی کشور را تخریب کرده‌اند، حتما کمکی به منافع ملی کشور نداشته‌اند.

●بعد از اینکه ترامپ از برجام بیرون رفت، دیدید که دولت آمریکا چه کار می‌تواند بکند. این کارها را اوایما نکرد. این است که نشان‌دهنده موفقیت برجام است. باید توجه داشته باشیم آمریکا از گذشته تا امروز همین ماهیت را داشته؛ یعنی همین زور را داشت. اما مهم این بود که ما این زور را نمی‌پذیرفتیم. در زمان اوایما هم ما چند نامه برای خاتم مگورگینی نوشتیم و عدم اجرای تعهدات توسط دولت آقای اوایما را مستند کردیم. ما که ماهیت آمریکا را تغییر نداده‌ایم. اما خداکیلی شما خودتان الان مقایسه کنید؛ آیا بیشتر بر تهران وارد می‌کرد یا بعد از برجام؟ آیا اگر برجام نبود ترامپ همین مقدار و سلاح از فشار را می‌توانست وارد کند یا بیشتر؟ این‌ها مسائلی هستند که باید مورد مقایسه قرار گیرد.

●خیلی‌ها با من برای شرکت در انتخابات صحبت کرده اند. بنده عرض به همه این‌ها یکی بوده است. من از ابتدا به امر تخصص باور داشته و هیچ‌گاه کاری خارج از زمینه تخصص خود انجام نداده‌ام. من همه ی زمینه ی درسی و تدریس در همین رشته یعنی رشته روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بوده است؛ در همین رشته هم در ۴۰ سال گذشته کار کرده‌ام و در رشته ی دیگری هم تخصص ندارم. اما باید این نکته را هم بگویم؛ ما برای پیشرفت کشور ضروری است که با جهان رابطه معقول داشته باشیم و تنش زدایی بکنیم. هم‌زمان، ضروری است برای پیشرفت و توسعه کشور از تشنج‌آفرینی پرهیز کنیم و روابطی متعادل و فراگیر را در سراسر جهان داشته باشیم. اما نباید آینده خود را بر اساس سیاست خارجی طراحی بکنیم. بر این باور هستم که متأسفانه خیلی از جناح‌ها آینده را بر اساس سیاست خارجی تعیین می‌کنند.

●سیاست خارجی یک عنصر در آینده کشور است؛ سیاست خارجی، آینده کشور نیست. البته نسبت به این امر آگاه هستم که به دلیل ارجاع دادن تمامی مشکلات به جهان خارج، در میان مردم نیز این تفکر فراگیر شده که راه‌حل تمام مشکلات باید در خارج کشور جستجو شود. اگر بخواهیم مشکلات مان را حل کنیم، سیاست خارجی تنها بخشی از راه حل مشکلات ماست. مشکلات ما نیازمند راهکارهای جامع در سیاست داخلی همراه با تمرکز بر توان ملی و تمرکز بر تشنج‌آفرینی است. برخی‌ها می‌گویند باید بر توانمندی ملی متمرکز شویم؛ اما در کنار آن تشنج‌آفرینی می‌کنند. آنچه که کشور را پیش خواهد برد، تمرکز بر مردم، توان و اعتقاداتشان است و همین‌طور منابع و جغرافیای کشور. مهم‌تر از همه این مردم هستند که پشتوانه سیاست کلان کشور هستند. واقعیت امر این است که تمامی این محورها، عنصرهایی درون یک سبد هستند که به ما قدرت می‌بخشند.

●قاعده مردم سالاری این است که انتخاب مردم در مقطعی موافق دیدگاه ماست و در مقطعی مخالف. ما باید این تمرین را داشته باشیم که به انتخاب مخالف دیدگاه خودمان احترام بگذاریم؛ قاعده مردم‌سالاری نیز همین است. الان این غلغله‌ای که در کشوری که مدعی مردم سالاری است ببینید؛ یک نفر در واقع مانع احترام به عقیده و انتخاب مردم شده است. از دور که مشاهده می‌کنید، چه تصویر زشتی دارد که یک نفر به انتخاب ظاهری مردم که نتایجش دارد بیرون می‌آید، احترام نمی‌گذارد. لذا ما هم باید این تمرین را بپذیریم. من امیدوارم که در دور بعدی کسانی در ایران سرر کار بیابند که دوست داشته باشند که رابطه ی همراه با تعامل با دنیا داشته باشند و به دنبال سربلندی مردم باشند.

●من فکر می‌کنم مردم در نهایت انتخابی را خواهند داشت که به نفع کشور است و انشاءالله همه ی دیدگاه‌ها و تفکرات امکان حضور فعال در صحنه سیاسی را پیدا خواهند کرد و انتخابات پرشوری را خواهیم داشت. مردم انشاءالله با صندوق رای قهر خواهند کرد. صندوق رای مهمترین ملاک رضایت یا ناراضیتهی مردم از عملکردهاست. حضور مردم در پای صندوق‌های رای حتما تاثیرگذار است و عدم حضور مردم باعث انتخاب‌های دیگری می‌شود که ممکن است خواسته ی اکثریت مردم نباشد. لذا اعتقاد دارم که در نهایت آنچه مصلحت کشور است را مردم تشخیص می‌دهند و با حضور خودشان، این مصلحت را رقم می‌زنند.

●اساسا مردم تمام داشته ما هستند و چیزی غیر از این مردم نداریم. این را بعضی وقت‌ها یادمان می‌رود و فراموش می‌کنیم که این مردم همه چیز ما هستند. اینکه امام بارها تاکید کردند که مردم ولی نعمت ما هستند، بسیار دقیق است. واقعا اگر این مردم نبودند، از ما هیچ چیز باقی نمانده بود، چه در زمان جنگ چه در زمان تحریم‌ها و فشارهای دیگر. نیروهای مسلح ما هم از مردم هستند و توانشان را از مردم می‌گیرند. هیچ وقت بین نیروهای مسلح و مردم و بقیه ارکان جامعه، هیچ تباینی قائل نیستیم. این‌ها همگی از یک جنس هستند و به نظر مردم باید در مرکز توجهات و محاسبات ما باشند. برای من خیلی دردناک است و اساب شرمندگی است که مردم شرایط معیشتی بدی دارند. تلاشی که من از روز اول کردم این بوده است که وزارت خارجه کمک معیشت مردم باشد نه مخل آن.

●با وجود تمامی دشواری‌ها این آمادگی را دارم که وزیر امور خارجه دولت بعدی باشم. اما اعتقاد دارم وزیر امور خارجه باید با اجماع ملی کار کند. با این

محمدجواد ظریف افشا کرد:

«گرا»ی بعضی دوستان به آمریکا

بعضی دوستان می روند و به آمریکا «گرا» می دهند که با ما بهتر می توانید کار کنید. ما که سکوت می کنیم، دلیل نمی شود که متوجه این گرا نیستیم

می‌شود. به خارج گرا می‌داند که آمریکا می‌تواند این کار یا آن کار را بکند. برادر من، شما برجام را یک دور خواندید، ما جمله به جمله ی برجام را مذاکره کردیم. اینها البته مدعی هستند که ما برجام را نخوانده ایم. من نمی‌دانم چه حجتی پیش خدا دارند. استناد می‌کنند به یک کلمه «سپسینش» که روز آخر به یک پاورقی اضافه شده بود، که آن هم درمورد تحریم‌ها نبود، بلکه درمورد قوانین اتحادیه اروپا بود.

●من در جلسه مجلس گفتم تعلیق در برجام نیست. دوبار تعلیق در ضمیمه ی برجام نه درمورد اصل تحریم‌ها بلکه درمورد قانون حاکم بر آن، روز آخر اضافه شده بود. یک قاعده‌ای داریم که می‌گویند اولین کسی که قیاس کرد، ابلیس بود. براساس آن ماجرا، قیاس می‌کنند که صن برجام را نخوانده‌ام. بروید از امریکایی‌ها بپرسید؛ خیلی از مفاد برجام انشای من است. دیگر هر کاری بلد نباشم، همه توافق دارند، مذاکره ی متن را بلدم. از دو کلمه‌ای که آقای نجابت به من نشان داد، استفاده از استفاده از همکاران من پرسیده‌اند که چرا هفت کفن پوسانده، می‌گویند. البته آنقدر هم باقیات الصالحات دارد که خداوند از ایشان قبول کند. درمورد پدرم نیز با استفاده از اسم غلط درمورد ایشان می‌گویند سلاوکی بوده و هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. شما بروید نگاه کنید؛ گفته‌اند پسر فالچی، حاج محمدعلی کازرونی بوده پدر من اما اسمش مشخص است حاج عباسعلی ظریف خونساری و به گاوصندوق علما معروف بوده و هرکس نیاز مالی داشته به ایشان رجوع می‌کرده، آن وقت می‌گویند پدر فالچی سلاوکی است. و پدرزنگش عامل بهایی است. هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. در این یک هفته‌ای که نگران حضور من در انتخابات شده اند، عکس پدربزرگ من به وفور در توئیتر پیدا می‌شود.

●فراموش نکنیم زمانی که خیلی از تحریم‌ها روی کشور بود، این تعهدات را اجرا می‌کردید. نمی‌خواهم وارد برخی جزئیات شوم که مصالح کشور نیست. وقتی وارد دولت شدیم، دیدیم اژانس می‌گوید ذخایر ۲۰ درصدی شما از ۲۰۰ کیلو فراتر رفته است؛ گفتیم مگر ما تعهدی روی ذخایر ۲۰ درصدی داشتیم؟ بعد معلوم شد که یک توافق ناتواسته وجود دارد که در مقابلش هیچی هم نگرفته بودند. در استانبول که راجع به ۲۰ درصد صحبت کردند، در مقابل چه چیزی گرفتند؟ وقتی در تهران با ترکیه و برزیل توافق کردند، چه چیزی گرفتند جز اینکه روسیه و چین به قطعنامه ۱۹۲۹ پیوستند؟ بحث زیاد است. بنده خیلی از مسائل را زمانی که بیکار بودم، نوشتم و به محضر آقایان دادم. لذا دوستان نخواهند طرف خودی و همکار خودشان، هم کیش و هم میهن خودشان را در مقابل خارجی تخطئه کنند. در مقابل خارجی، دستش را خالی کنند. این نه مرام مروت و انسانیت است، نه مرام وطن دوستی.

●روسیه در مذاکرات هسته‌ای و بعد از آن، با ایران از نزدیک همکاری کرد. آن اتفاقی که افشاء، اتفاقی بود در زمان دیگری، با شرایط دیگری و با یک حکومت دیگری. در آن زمان، شرایط ویژه‌ای حاکم بود. در داخل هم دوستانی که امروز دیدگاهشان به ما نزدیک‌تر است، از آن سوء استفاده جالبی کردند.

●کشور ما در شرایط ویژه باید تلاش‌های ویژه انجام دهد. من اگر گفتم سی سفر به روسیه داشتم، شاید تعداد بیشتری سفر به ترکیه داشتم. روسیه همسایه مهم ماست و چین هم شریک اول تجاری ۱۵۰ کشور دنیاست، شاید البته این عدد دقیق نباشد. در ایران، هر کلمه‌ای که می‌گویم، ۲۰۰ نفر دنبال آن می‌روند تا پیدا کنند اشتباه گفته‌ام. هم‌زمان با اینکه رابطه مان با چین و روسیه خوب باشد، باید رابطه خوبی با ترکیه و اروپا نیز داشته باشیم. رابطه مان با آمریکا هم باید بدون تنش باشد. روسیه و چین هم اصالتا ما بخواه چه به شرایط ویژه ما، نقش بسیار مهمی در سیاست خارجی ایران داشتند و دارند. حتما باید دیدار گرفتن به سیاست‌های روسیه و چین مغایر منافع ملی ما نیست، اما باید جنبه احتیاط را هم رعایت کنیم که چرا آمریکا رسما علیه توافق ۲۵ ساله ما موضع می‌گیرد؟ اصلا به آمریکا چه ربطی دارد؟ آیا آمریکا دلش برای مردم ایران سوخته؟ مردمی که آقای پومپئو گفته اگر دولت ایران می‌خواهد بردهش بخورد و دارو نداشته باشند، باید حرف ما را گوش کند. خوب به یکبار مردم ایران برای آمریکا عزیز شدند؟ که دولت آمریکا نگران ارتباط ما با چین شد؛ این به خاطر این است که روابط ما با چین به منافع استراتژیکی که آمریکا تقریبا ۲۵ سال است آن را دنبال می‌کند گره خورده. آمریکا از میانه دهه ۹۰ میلادی، به دنبال آن بوده تا مانع برآمدن صلح آمیز چین شوند. برای همین می‌خواهد برآمدن آن را امنیتی کند تا بر آن احاطه داشته باشد.

●ما باید منافع خودمان را در نظر بگیریم. ما تکرار کننده ی حرف‌های امریکایی‌ها نباشیم. ما حداقل این توافق ۲۵ ساله که یک متنش در نشریات آمده را بخوانیم؛ ببینید هیچ جای کشور را به تاراج داده که این حرف‌ها را بزنیم؟ حرف‌هایی که راجع به خزر زدند، ببینند این حرف‌ها از کجا در می‌آید؟ اینطور نیست که انتقاد به چین و روسیه حرام باشد. ما کشور مستقلی هستیم و برای این استقلال، هزینه زیادی دادیم و سیاست مستقلی داریم. اما باید مواظب باشیم که در انتقاد از کشورها، در دام تحلیل‌های دیگران نیفتیم. آن‌ها منافع خودشان را دارند و عاشق ما نیستند، کما اینکه روسیه و چین هم عاشق ما نیستند. ما نباید روابط بین‌المللی را دوستانه فرض کنیم، روابط بین‌المللی براساس منافع است و منافع من از این است که روسیه و چین ارتباط تنگاتنگ داشته باشیم، کما اینکه منافع مان در این است که با اروپا ارتباط داشته باشیم و همین‌طور با همسایگان ارتباط خوبی داشته باشیم.

●ما درخواست کردیم که دکتر لاریجانی به عنوان نماینده ویژه جمهوری اسلامی در مورد چین، به این کشور سفر کنند و با رئیس جمهور چین در فضای کاری ملاقات کنند. این کار هم انجام شد. بعد از آن هم، ایشان نظارت دارند. ایشان نماینده کشور هستند. در سفری که به چین داشتند، پیام مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری را برای آقای شمی چنین پینگ کردند. لذا نمایندگی ایشان، نمایندگی کشور است، ولی وزارت خارجه مسئول روابط با چین است و با ایشان همکاری بسیاری نزدیکی داریم. ایشان دفتری در یکی از ساختمان‌های وزارت خارجه دارند و میزان همکاری ما با ایشان در این حد است که ایشان در ساختمان متعلق به وزارت خارجه این موضوع را دنبال می‌کنند و ما هم بسیار خوشحالیم که در خدمت ایشان هستیم. در سفری که به چین داشتیم، بحث‌های نهایی در این زمینه شد. چینی‌ها در حال بررسی متن آخری هستند که به آنها ارائه دادیم. متنی که با توجه به دیدگاه‌های داخل کشور و حتی نظرات افکار عمومی که از مردم شنیدیم، تنظیم شد.

اافتاب.yz@gmail.com

دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۹ • شماره ۵۸۹۰

گزارش ۹

محمدجواد ظریف افشا کرد:

و در مدرسه جاسوسی تربیت شده است اما هیچ اتفاقی برای او نیفتد. می‌گویند ظریف از اول جاسوس بوده، می‌گویند پدربزرگ من که مسجد اعظم قم و مسجد هامبورگ با هزینه ایشان ساخته شده، عامل بهایی‌ها بوده و این روزها هم که می‌نویسند عامل گلوبالیست‌ها بوده. این چیزها را در رابطه با پدربزرگ من که بنده خدا هفت کفن پوسانده، می‌گویند. البته آنقدر هم باقیات الصالحات دارد که خداوند از ایشان قبول کند. درمورد پدرم نیز با استفاده از اسم غلط درمورد ایشان می‌گویند سلاوکی بوده و هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. شما بروید نگاه کنید؛ گفته‌اند پسر فالچی، حاج محمدعلی کازرونی بوده پدر من اما اسمش مشخص است حاج عباسعلی ظریف خونساری و به گاوصندوق علما معروف بوده و هرکس نیاز مالی داشته به ایشان رجوع می‌کرده، آن وقت می‌گویند پدر فالچی سلاوکی است. و پدرزنگش عامل بهایی است. هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. در این یک هفته‌ای که نگران حضور من در انتخابات شده اند، عکس پدربزرگ من به وفور در توئیتر پیدا می‌شود.

●من احساس می‌کنم دو گروه در ایران طرفدار ترامپند. یک گروهی که به اصطلاح خودشان و مخالف گلوبالیست‌ها هستند و احساس قربات فکری با ترامپ می‌کنند که واقعا باعث تأسف است. البته آقای ترامپ، ممکن است یک نیروی ابزار باشد اما حتما یک نیروی ضد گلوبالیسم نیست.

●ما باید منافع خودمان را در نظر بگیریم. ما تکرار کننده حرف های امریکایی ها نباشیم. ما حداقل این توافق ۲۵ ساله که یک متنش در نشریات آمده را بخوانیم؛ ببینید هیچ جای کشور را به تاراج داده که این حرف ها را بزنیم؟ حرف هایی که راجع به خزر زدند، ببیند این حرف ها از کجا در می آید؟ اینطور نیست که انتقاد به چین و روسیه حرام باشد. ما کشور مستقلی هستیم و برای این استقلال، هزینه زیادی دادیم و سیاست مستقلی داریم.

●ترامپ در حوزه سیاست خارجی، عامل صهیونیسم و سیاست‌های کشورهای مرتجع منطقه است. آقای ترامپ از روزی که انتخاب شد، فقط برای انتخاب مجدد فکر می‌کرد و پایه توده‌ای خودش را هم افرادی می‌دانست که در داخل آمریکا می‌توانند به او رای دهند. این بدین معنا نیست که او ضد گلوبالیسم است، ترامپ فردی فرصت طلب است که دارد از این گروه استفاده می‌کند. البته تحلیل همه ی ما تا شش ماه پیش، این بود که آقای ترامپ مجددا انتخاب می‌شود. خوب شرایط اینطور بود اما شرایط تغییر کرد، با این حال ترامپ ۷۱ میلیون رای آورد. من حدودا از تیرماه به این تحلیل رسیدم که ترامپ ممکن است دیگر انتخاب نشود. در خرداد ماه، در مصاحبه‌ای گفتم احتمالا ترامپ انتخاب می‌شود. اتفاقا، آن موقع احتمال این بود که با فاصله ی زیادی پیروز شود. کما اینکه ۷۱ میلیون رای آورد. یکی ممکن بود این تحلیل را می‌داشت که ترامپ یک پایگاه توده‌ای دارد که هنوز هم البته در دست نگه داشته است.

●من برای سردار سلیمانی درد دل زیاد می‌کردم، از اینکه چرا آنقدر به من فشار می‌آورند. من نمی‌گویم ایشان هیچ وقت برجام را تایید کرد، اصلا بحث مان این نبود. ایشان همیشه در مقابل درد و دل‌های من می‌گفتند باید تحمل کنی و تو کار خیلی مهمی داری انجام می‌دهی. اشتباهی من با سردار سلیمانی که کنفرانس صلح افغانستان در سال ۲۰۰۱ برمی‌گردد، یعنی سال ۸۰ من به عنوان نماینده جمهوری اسلامی در آنجا حضور داشتم. به خارجی‌ها هم گفته‌ام، صلح افغانستان بیش از هر کسی مدیون سردار سلیمانی است. بیشترین کمک را به من که در «بن» بودم، سردار سلیمانی از تهران کرد. بعد از آن، وقتی نماینده نام ایران در سازمان ملل بودم، سه دور با اجازه رهبری با امریکایی‌ها قایل و بعد از حمله ی آمریکا به عراق مذاکره داشتیم که خطرات اقدام شان را به آنها تذکر دادم. در این مذاکرات، سردار سلیمانی بیشترین حمایت را از من کرد و بیشترین تماس را با ایشان داشتم. اصلا وقافت ما با ایشان، از این دو واقعه آغاز شد. در دورانی که وزیر بودم، به صورت مرتب با همدیگر دیدار داشتیم. سردار سلیمانی آنچه را که در صحنه ی دیپلماسی توقع داشت، چه در گروه طرفداران سوریه، چه در آستانه، چه در حمایت از مردم یمن را با من بحث و گفتگو می‌کرد. سپس سیاسی که من و ایشان بر روی آن گفتگو و به توافق رسیده بودیم، دنبال می‌شد. اگر سردار سلیمانی به دیپلماسی اعتدالی نداشت، ضرورتی نداشت که وقت محدود بنده و ایشان، صرف این مسائل می‌شد.

●حاج قاسم برای من خیلی عزیز بود. یک دوست عزیز بود. فرارم این نیست که از حاج قاسم استفاده کنم که دیدگاه خودم را پیش ببرم. بله، من و حاج قاسم رفیق بودیم و اختلاف نظرهایی در برخی موارد داشتیم. اما برجام موضوعی نبود که با ایشان درموردش بحث کنیم که ببینیم اختلاف نظر داریم یا نه. ممکن است در مورد سوریه، ایشان یک دیدگاه داشته و من یک دیدگاه، در مورد یمن هم همینطور؛ با هم بحث می‌کردیم و به نتیجه می‌رسیدیم. درمورد برجام اما ایشان دخالتی نداشت که با یکدیگر بحث بکنیم.

●زمانیکه مذاکرات از نو را تمام کردیم، برخی دوستان در روزنامه‌هایشان نوشتند هیچ جا تعهد نشده که غنی‌سازی در خاک ایران باشد. به سابقه این روزنامه‌ها مراجعه کنید، موجود است. من به اینها گفتم آقا من از شما خواهش می‌کنم این بحث به ذهن امریکایی نمی‌رسد، به امریکایی‌ها این درس را ندهید. بعد از اینکه برجام حاصل شد و دیدند غنی‌سازی داخل ایران است، من به آقایان می‌گفتم به خارج گرا ندهید. خوب اینها مانع دیپلماسی



●اساسا مردم تمام داشته ما هستند و چیزی غیر از این مردم نداریم. این را بعضی وقت ها یادمان می رود و فراموش می‌کنیم که این مردم همه چیز ما هستند. اینکه امام بارها تاکید کردند که مردم ولی نعمت ما هستند، بسیار دقیق است. واقعا اگر این مردم نبودند، از ما هیچ چیز باقی نمانده بود، چه در زمان جنگ چه در زمان تحریم ها و فشارهای دیگر. نیروهای مسلح ما هم از مردم هستند و توانشان را از مردم می‌گیرند. هیچ وقت بین نیروهای مسلح و مردم و بقیه ارکان جامعه، هیچ تباینی قائل نیستیم.

●من از آقایان سوال می‌کنم؛ در دولت اصولگرای آقای دکتر احمدی نژاد که در ابتدا به قول خودشان «End»صولگرایی بود، چندبار چین و روسیه قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران را وتو کردند؟ البته من از این قالب خیلی بدم می‌آید، چون خودم را خیلی آدم اصولی می‌دانم. آدم اصولگرا آدمی است که از اصول تبعیت کامل می‌کند.

●ما باید منافع خودمان را در نظر بگیریم. ما تکرار کننده حرف های امریکایی ها نباشیم. ما حداقل این توافق ۲۵ ساله که یک متنش در نشریات آمده را بخوانیم؛ ببینید هیچ جای کشور را به تاراج داده که این حرف ها را بزنیم؟ حرف هایی که راجع به خزر زدند، ببیند این حرف ها از کجا در می آید؟ اینطور نیست که انتقاد به چین و روسیه حرام باشد. ما کشور مستقلی هستیم و برای این استقلال، هزینه زیادی دادیم و سیاست مستقلی داریم.

اصولاً سیاست خارجی را جناحی نمی‌بینم؛ یعنی سیاست خارجی باید بر قاعده فرا جناحی طرح‌ریزی شود. اما متأسفانه این امر در کشور ما از سوی برخی جناح‌ها نادیده گرفته می‌شود. ما باید در پی منافع ملی باشیم؛ حال چه در دولت دوازدهم باشد چه در دولت سیزدهم. قابل توجه این است که مذاکرات ایران با آمریکا در دولت دهم با اجازه مقام معظم رهبری آغاز شد. حضرت آقا بارها فرموده‌اند که گفتگوها در دولت دهم با اجازه ایشان شروع شد. همان کسانی که در دولت یازدهم و دوازدهم مخالف مذاکره بودند، در دولت دهم هم مخالفت می‌کردند. دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در آن دوران مخالف بود و بعدا نیز مخالف بود. بر این باور هستم که حملات جناحی به عرصه سیاست خارجی، حملاتی بی‌جهت و نادرست هستند. سیاست خارجی در چارچوب کل نظام اتخاذ و اجرا می‌شود؛ لذا این‌که بخواهند از سیاست خارجی دعوائی جناحی بسازند، حتما به ضرر منافع ملی کشورمان خواهد بود. در ۷ تا ۸ سال گذشته، کسانی که راهبرد سیاست خارجی کشور را تخریب کرده‌اند، حتما کمکی به منافع ملی کشور نداشته‌اند.

●من از آقایان سوال می‌کنم؛ در دولت اصولگرای آقای دکتر احمدی‌نژاد که در ابتدا به قول خودشان «End»صولگرایی بود، چندبار چین و روسیه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران را وتو کردند؟ البته من از این قالب خیلی بدم می‌آید، چون خودم را خیلی آدم اصولی می‌دانم. آدم اصولگرا آدمی است که از اصول تبعیت کامل می‌کند.

●در اصولگرا بودن دولت اول احمدی‌نژاد هیچکس به هیچ عنوان نمی‌توانست تردید کند که تمام ارکان و جریان‌های

اصولگرایی نه تنها پشت سر ایشان بودند، بلکه نسبت به ایشان غلو می‌کردند و جملاتی عجیب و غریب که به نظر اسائه ادب به محضر مبارک امام زمان بود را به کار می‌بردند. لذا فراموش نکنید که روسیه و چین به ۶ قطعنامه شورای امنیت علیه ایران، من جمله قطعنامه ۱۹۲۹ رای مثبت دادند. اما در مقطع کنونی، همین روسیه قطعنامه‌ای در ارتباط با یمن که سال ایران در آن به صورت حاشیه‌ای مطرح شده بود را وتو کرد و چین رای ممتنع داد. در قطعنامه اخیری که آمریکا در ارتباطات با تمدید تحریم تسلیحاتی ایران ارائه کرد، با وجود عدم نیاز به در وی روسیه و چین، هر دو رای منفی دادند. یعنی یک قطعنامه ۱۱ رای ممتنع داشت و قطعنامه‌ای که اینطور رای ممتنع بیاورد، یعنی رد شده است. اما روسیه و چین خواستند رای منفی دهند و آن دو هم می‌توانستند ممتنع دهند. برای اولین بار در تاریخ شورای حکام اژانس، روسیه و چین به قطعنامه اتحادیه اروپا علیه ایران رای منفی دادند. کدام دولت توانست این را بدست بیاورد؟ به تاریخ نگاه کنید، اولین باری که چند پذیرفت روابطش با ایران روابط راهبردی باشد، با دولت دکتر روحانی و طی سفر آقای شی چین پینگ به ایران بود. این تبلیغات و دروغ‌هایی که دوستان می‌گویند مثل اینکه ظریف برجام را نخوانده یا قرارداد ۲۵ ساله را نخوانده، گوش نکنید. در دولت نهم و دهم، حتی اسم «راهبردی» در روابط مان نبود.

●در دولت یازدهم، به این تفاهم با چین رسیدیم که نه تنها روابط راهبردی باشد، بلکه به مشارکت جامع راهبردی یعنی مرحله سوم راهبردی چین، برسیم. ما در دوره آقای احمدی‌نژاد، حتی در مرحله اول راهبردی با چین نبودیم، همچنین در ادوار قبل. در مورد روسیه نیز چنین است. روابطی که امروز با روسیه داریم، در تاریخ روابطمان با این کشور داریم بی‌سابقه است. روابطی که با ترکیه، عراق، آذربایجان داریم نیز این چنین است. دوستان نباید این را فراموش کنند. بعضی وقت‌ها، بعضی نکات را فراموش می‌کنند. مرتب می‌گویند که ظریف برای اینکه می‌خواهد کاندیدای انتخابات شود، به امریکای لاتین رفته. آیا آنها نگاه کنند من چند سفر به آنجا رفته‌ ام؟ فقط تبلیغ می‌کنند و خودشان هم باور می‌کنند.

●من ۳۰ سفر به روسیه داشته‌ام و بیش از شش سفر به چین داشته‌ام. بیش از ۱۵ ی ۱۶ کشور امریکای لاتین را در چهار سفر رفته‌ ام. چندین سفر نیز به آفریقا رفتم. بیشترین سفرهایم به منطقه بود و کمترین سفرهایم به اروپا بوده. آیا دوستان اینها را نگاه کرده‌اند که می‌گویند دولت چین منتظر یک دولت اصولگراست که بیاید؛ بعضی دوستان فکر می‌کنند که آمریکا «گرا» می‌دهند که با ما بهتر می‌توانید کار کنید. ما که سکوت می‌کنیم، دلیل نمی‌شود که متوجه این گراها نیستیم. من کسی را متهم نمی‌کنم، ولی می‌دانم و خیرش را بهم می‌دهند که گفته‌اند این‌ها در قدرت نمی‌مانند و قدرت این‌ها چند روزه است. اینجاست که فکر می‌کنم سیاست خارجی نیاز به این دارد که مستقیم باشم، اینجاست که فکر می‌کنم ما با خارجی که طرفیم، یک نفر واحد باید تلقی شویم. شخصا وقتی به خارج از کشور می‌روم، همان اندازه که از همکاریام دفاع می‌کنم، از کسانی که علیه من حتی اتهام می‌زنند نیز دفاع می‌کنم.

●متأسفانه ابزار تبلیغ و حاشیه امن در اختیار دوستان است. طرف می‌تواند به آسانی مدعی شود که ظریف برجام را نخوانده و به یک کلمه در برجام استناد کند که آقای عراقچی چندین بار درموردش توضیح داده و هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. طرف می‌تواند بگوید که ظریف جاسوس است

مخاطب با اعتماد کامل برای هر انتخاباتی صدها گزینه ی ریز و درشت دارد که در پناه قانون می‌تواند با اطمینان بخشی از دارایی خود را به کالاهای مصرفی حتی تبدیل کند و اگر ذره‌ای تردید در انتخابش دید می‌تواند در سایه ی قانون جبران ضرر کند حتی می‌تواند از آن شکسته ی تلوژیوینی شکایت کند و خسارت‌های چندمیلیون دلاری دریافت کند اما در میانه ی بازار مکاره ی تبلیغات راست و دروغ، مخاطب که از فردا صبح

نه اخلاقی است نه مبنای علمی دارد!

ادامه از صفحه اول:

ششم. تبلیغات در همه ی جهان مرسوم است اما ساز و کارهای تبلیغاتی در انحصار یک رسانه ی ملی و کاملاً انحصاری نیست در همه ی جهان

به تبلیغات در دید یک اجحاف و دروغ و رنگ و لعاب دار نگاه کند و تا تولیدکننده ی واقعی قدم در عرصه ی معرفی کالا و نه تبلیغات پرتیراژ وارد شد شهود فاصله ی مخاطب و رسانه ی ملی به اندازه ی کیفیت کالاهایی است که بدون تبلیغات، دهه‌ها است بازارهای خودشان را دارند و کالاهایی که یک شبیه می‌آیند و برای همیشه محو می‌شوند؛ فاصله به همین اندازه فجع است!